



Research Article

The Originality of the Belief in Mahdiism from the Viewpoint of Ayatollah Safi Golpayegani

Ghanbar Ali Samadi¹

Received: 16/05/2023

Accepted: 08/10/2023

Abstract

One of the important and key issues regarding Mahdiism is the originality of the belief in Mahdiism and the examination of its evidential principles. What is meant by the "originality of Mahdiism" is the validity and definitive proof of this Islamic and divine teaching based on intellectual, narrative, and historical reasons. Dealing with this issue is necessary because this discussion is considered the basis of many issues related to Mahdiism in Islamic thought. For this reason, the originality of Mahdiism has always been the concern of Islamic thinkers. Ayatollah Safi Golpayegani was one of the Mahdavi thinkers in the contemporary era who paid attention to this issue, wrote numerous scientific works about Mahdiism, and examined the religious, intellectual, Qur'anic and narrative dimensions of this area in detail. The present article examines this issue in a descriptive and analytical method. The findings of the study suggest that Ayatollah Safi Golpayegani has examined the originality of Mahdiism in the religious attitude from two general and special perspectives. He has stated preaching religions, alignment with the goal of religion and harmony with the traditions of history among the principles of the originality of Mahdiism in religious thought. In the specific Islamic attitude, he considered the adherence of Mahdism doctrine to the rational, Quranic, narrative and consensus of Muslims as one of the foundations of the originality of Mahdiism thought in Islam.

Keywords

Mahdiism, originality, beliefs, principles, religions, goals, Islamic thought, Safi.

1. Professor, Al-Mustafa International Research Institute, Qom, Iran. samadi313@gmail.com.

* Samadi, G. A. (1402 AP). The Originality of the Belief in Mahdiism from the Viewpoint of Ayatollah Safi Golpayegani. *Journal of Mahdavi Society*, 3(7), pp. 158-181. Doi: 10.22081/JM.2023.66489.1072.



مقاله علمی - ترویجی

اصالت باورداشت مهدویت از دیدگاه آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه!!

قنبرعلی صمدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶



چکیده

یکی از مسائل مهم و کلیدی در باب مهدویت، بحث پیرامون اصالت باور به مهدویت و بررسی مبانی اثباتی آن است. مراد از «اصالت مهدویت» اعتبار و اثبات قطعی این آموزه اسلامی و الهی بر پایه دلایل عقلی، نقلی و تاریخی است. پرداختن به این موضوع بدین جهت ضرورت دارد که این بحث مبنای بسیاری از مسائل مربوط به مهدویت در تفکر اسلامی شمرده می‌شود؛ به همین دلیل مسئله اصالت مهدویت همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. مرحوم آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه از جمله اندیشمندان مهدوی در دوران معاصر است که به این موضوع اهتمام ورزیده و آثار علمی متعددی پیرامون مهدویت به رشته تحریر در آورده و ابعاد دینی، عقلانی، قرآنی و روایی این بحث را با ژرف‌نگری خاصی مورد بررسی قرار داده است. مقاله حاضر باروش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع می‌پردازد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه اصالت مهدویت در نگرش دینی را از دو منظر عام و خاص مورد تأمل قرار داده و بشارت‌های ادیان، همسویی با غایت دین و هماهنگی با سنت‌های تاریخ را از جمله مبانی اصالت مهدویت در تفکر دینی بیان کرده است و در حوزه نگرش خاص اسلامی نیز بناکردن آموزه مهدویت به مبانی عقلی، قرآنی، روایی و اجماع مسلمین را از بنیادهای اصالت اندیشه مهدویت در اسلام بر شمرده است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، اصالت، باورداشت، مبانی، ادیان، غایت، تفکر اسلامی، صافی گلپایگانی.

samadi313@gmail.com

۱. استاد همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صلی الله علیه و آله، قم، ایران.

* صمدی، قنبرعلی. (۱۴۰۲). اصالت باورداشت مهدویت از دیدگاه آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه. دوفصلنامه علمی-ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۷)، صص ۱۵۸-۱۸۱.

Doi: 10.22081/JM.2023.66489.1072.

مقدمه

مهدویت یک آموزه اصیل اسلامی است که ریشه در قرآن و سنت دارد. بررسی اصالت باورداشت مهدویت و جایگاه ویژه آن در تفکر اسلامی، نیازمند تأمل در مبانی عقلی، نقلی و تاریخی این آموزه دینی است. مرحوم آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه از جمله مهدی پژوهان معاصری است که با جامع‌نگری و ژرف‌اندیشی خاصی به این موضوع پرداخته و ابعاد مختلف اصالت باور به مهدویت را از جهت معقول‌بودن و اتکا بر مبانی منطقی، موافقت با فطرت و نوامیس عالم خلقت، ابتدا بر بشارت‌های دینی و نصوص قرآنی و حدیثی و نقش آن در برقراری عدالت مورد بررسی قرار داده است.

عنوان «مهدویت» در فرهنگ شیعی ناظر به مجموعه مسائل مربوط به حیات، ولادت، امامت، غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوازدهمین امام شیعیان و آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله از خاندان اهل بیت علیهم السلام است که هم‌اکنون از انظار عمومی غائب است و در آخرالزمان ظهور و جهان را پر از عدالت داد خواهد کرد.

آیت الله صافی رحمته الله علیه «مهدویت» را به معنای اعتقاد به ظهور آخرین منجی موعود الهی در اسلام دانسته و این مفهوم را تنها با مهدویت شخصی قابل استناد می‌داند؛ چراکه معتقد است مهدویت به مفهوم نوعیه، از هیچ‌یک از روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام قابل استفاده نمی‌باشد. ایشان معتقد است کلمه «مهدی» به معنای هدایت شده، اگرچه به حسب مفهوم لغوی دارای معنای عام است و به هر فردی که خدا او را هدایت کرده باشد اطلاق می‌شود، اما در کاربرد احادیث، «مهدی» یک عنوان و لقب خاصی است که بر شخص خاص با اوصاف و ویژگی‌های ویژه اطلاق شده و مقصود از آن شخص معین و فوق‌العاده عزیزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به ظهور او بشارت داده است؛ مانند «المهدی من ولدی» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۳۰۹) یا «المهدی من عترتی من ولد فاطمه» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۱۰۲) یا «المهدی من ولدک» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۷۸). بر اساس اخبار معتبر «مهدی» لقب همان موعود آخرالزمان است که حتی نسب و اوصاف او در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته است که آن جز بر امام دوازدهم فرزند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بر هیچ کس قابل تطبیق نیست و لقب «مهدی»

اولین بار در مورد آن حضرت به کار رفته و این کار در زمان خود پیامبر ﷺ توسط شخص آن حضرت انجام گرفته است (صافی، ۱۳۸۷، صص ۱۰۰-۱۰۲)؛ بنابراین مبنای پیدایش این عقیده، بشارت‌ها و نصوص دینی در عصر رسالت بوده است و رویدادهای تاریخی پس از پیامبر ﷺ در پیدایش آن نقشی نداشته است.

نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین جایگاه مهدویت در اندیشه دینی و اسلامی پرداخته و با استناد به بشارت‌های ادیان الهی، بنیادهای عقلانی، شواهد قرآنی-حدیثی و اجماع امت اسلامی، مسئله اصالت باورداشت مهدویت را از منظر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

۱. اصالت باورداشت مهدویت در تفکر دینی

اعتقاد به مهدویت دارای ابعاد تاریخی، عقلی و نقلی است. آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه اصالت اندیشه مهدویت در تفکر دینی را از منظرهای مختلف مورد توجه قرار داده است که در اینجا به برخی موارد اشاره می‌شود.

۱-۱. باورداشت مهدویت و بشارت‌های ادیان

اصل باور به مهدویت و منجی موعود یک آموزه فراگیر در میان همه پیروان ادیان الهی است و در تمامی آموزه‌های ادیان - به ویژه ادیان ابراهیمی - به این موضوع بشارت داده شده است. در این زمینه آیت‌الله صافی رحمته‌الله علیه معتقد است که اصالت مهدویت و ظهور مصلح آخرالزمان در بین ملت‌ها و امت‌های دیگر نیز مسلم و ثابت بوده است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۳۷). درباره اصل باور به منجی موعود و ظهور یک شخصیت روحانی برای اصلاح جهان و خاتمه دادن به ظلم و جنگ و فساد و خرابکاری و نجات ضعفا و مظلومین، دیگر ملت‌ها و معتقدین به ادیان معروف نیز با مسلمانان همراه و متفق‌اند و بشارت‌هایی که در کتاب‌هایشان به آن‌ها داده شده، به حضرت صاحب الزمان رحمته‌الله علیه منطبق می‌شود (صافی، ۱۳۹۵، ص ۲۹). این موعود عزیز برحسب استوارترین و صحیح‌ترین مصادر اسلامی، خلیفه دوازدهم حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی رحمته‌الله علیه و دوازدهمین

رهبر و امام بعد از آن حضرت و هم‌نام و هم‌کنیه ایشان است.^۱ در کتاب‌های سایر ادیان مانند زند، جاماسب، شاکمونی، جوک، دید، باسک، پاتیکل، دادنگ، اصفنیا، اشعیا، مکاشفات یوحنا، دانیال، اناجیل اربعه و ... این بشارت‌ها با عبارات و مضامینی که همه اصالت عقیده مهدویت را تأیید و آن را یک اصل عام مورد قبول همه ملت‌ها، امت‌ها، انبیا و ادیان معرفی می‌کنند آمده است و به بعضی صفات و علایمی که در احادیث و بشارت‌های اسلامی برای این ظهور و صاحب آن حضرت مهدی حجة بن الحسن العسکری علیه السلام بیان شده اشاره یا صراحت دارند (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۴۹)؛ بنابراین از منظر دینی اصل باور به منجی موعود یک آموزه مشترک بین‌الادیانی است که همه ادیان الهی به پیروان خود عصر درخشان و پرخیر و برکتی را نوید داده‌اند؛ با این تفاوت که در اسلام مختصات آن نیز بیان شده است.

۲-۱. باورداشت مهدویت و غایت دین

هدف و غایت دین و ارسال کتاب‌های آسمانی، تعلیم، تربیت و تکامل جامعه انسانی در پرتو ایمان به خدا و تشکیل جامعه توحیدی است و در حقیقت غایت دین معطوف به غایت‌مندی خلقت انسان‌هاست. در آیات قرآن غایت خلقت انسان، کمال و تقرب الهی از رهگذر عبودیت بیان شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ مَنْ جَنَّ وَاَنْسَ رَا نِيَا فَرِيْدِمَ جَزْ بَرَا لِيْنِ كِهْ عِبَادَتِمَ كَنْنَد» (ذاریات، ۵۶). از آنجایی که غایت دین و تشکیل جامعه توحیدی در نظام نبوت و امامت قابل تحقق است و جلوه‌های کامل آموزه‌های تعالی‌بخش دین نیز در عصر ظهور عینیت می‌یابد، لذا تحقق جامعه آرمانی مهدوی، تبلور کامل جامعه توحیدی و غایت دین شمرده می‌شود.

بر این اساس آیت‌الله صافی رحمته الله علیه هسته مرکزی و محور اصلی تمام مسائل اعتقادی و

۱. در کتاب نجم الثاقب و سایر کتاب‌هایی که القاب و نام‌های حضرت مهدی علیه السلام را بر شمرده‌اند، بیش از ۱۸۰ اسم برای آن حضرت ذکر شده است (محدث نوری، ۱۳۷۵، صص ۵۵-۱۳۲، باب ۲).

برنامه‌های تربیتی، سیاسی و اجتماعی دین را ایمان به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال می‌داند و معتقد است که حق تعیین و نصب حاکم، ولی، امام، تشریح، فرمان، امر و نهی، تکلیف، الزام و ولایت مطلق بر همهٔ امور مختص به اوست. هر حاکمیت و ولایت و مالکیتی که به اذن او نباشد، استعلا و طغیان و استبداد است. قبول و التزام و الزام به نظام‌ها و قوانینی که منبع و مبنای شرعی و اعتبار الهی ندارد، خواه در امور عبادی، سیاسی، مالی و سایر امور باشد، پرستش شیطان و شخص و مقام و هیئت و جامعه‌ای است که آن قوانین را وضع کند و وضع این قوانین، اظهار شرکت با خدا و تصرف در شئون خداست (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۹۱).

در نگرش آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه اساس عقیده به مهدویت و منتهی شدن سیر طبیعی دنیا به حاکمیت اسلام و یگانه شدن قوانین و نظام‌های موجود برای نجات بشر از ذلت بندگی غیر خداست که در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمهٔ اخلاص به ودیعت نهاده شده است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۳۳۳). از منظر وی نظام‌های غیرالهی تحت هر رژیم و نظامی که باشد، غیر شرعی بوده و واجب‌الاطاعه نیست، خواه استبدادی باشد یا دموکراسی یا به صورت‌های دیگر. دعوت همهٔ انبیا برای تحقق حکومت خداوند در زمین و لغو حکومت‌های دیگر است. حکومت «الله»، حکومت برای همه است که در آن هیچ رنگ و نژاد و زبان و منطقه‌ای مطرح نیست و همان‌طور که خدای تعالی حکومت تکوینی دارد، در امور اختیاری و تشریحی نیز کسی که حق حکم و فرمان دارد، خدای تعالی است و هر حکومتی که به غیر اذن خدا و خودسرانه و خارج از محدودهٔ حکومت الهی باشد، حکومت جاهلیت بوده و اصالت ندارد ... نظام‌ها اگر اضافه به خدا نداشته باشند، اصالت نداشته و محترم نیستند. فقط او اصل است و همهٔ اصالت‌ها فرع او و قائم به مشیت و ارادهٔ او می‌باشند (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۹۲)؛ به همین دلیل در تمام دوره‌های غیبت و قبل از آن، حکومت‌هایی که زمام امور مسلمانان را به غضب و قهر به دست گرفتند و اعمال و روش‌هایی داشتند که هرگز با دعوت اسلام و عدالت اسلام قابل تطبیق و تصحیح نبود، از نظر شیعه حکومت ظلمه خوانده می‌شدند و از یاری و اعانت آنها جز در حدودی که حفظ مصالح کلی و اساس اسلام و دفاع از

هجوم و تسلط کفار بر آن توقف داشت خودداری می کردند و شیعیان متعهد در امور خود، به فقیهان عادل هر دوره رجوع می کردند و حتی علاوه بر مالیات‌های رسمی که به دولت‌های غاصب می دادند، وجوه شرعی خود را که به آنها تعلق می گرفت به فقیهان می رساندند که اگرچه در ظاهر تحت رژیم و نظام حکومت جبار بودند، اما تابعیت واقعی آنها، تابعیت از نظام امامت بوده و هست. این از ویژگی‌های مذهب شیعه است که در برابر حکومت‌های ظالم و غیرمشروع، همواره موضع عدم قبول و همکاری نداشتن داشته است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۹۷). اینجاست که تلقی موحد از نظام سیاست و حکومت معنایی متفاوت پیدا می کند و اصالت و ارتباط عقیده به مهدویت با نظام توحیدی به خوبی آشکار می شود.

۱-۳. باورداشت مهدویت و سنت‌های تاریخ

یکی از وجوه بارز مهدویت در تفکر دینی، هماهنگی اندیشه مهدویت با سنت‌های حاکم بر جامعه و سیر حرکت تاریخ است. تاریخ با محوریت انسان معنا پیدا می کند و حرکت تاریخ دارای مبدأ و مقصدی است که با سکان‌داری انسان به سوی مقصدی پیش می رود.

با این نگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه به تحلیل فرایند حرکت تاریخ و ارتباط آن با مهدویت پرداخته و معتقد است که اندیشه مهدویت و فرجام نیک تاریخ با سنت‌های الهی و نوامیس هستی و سیر تکاملی بشر موافق و به اسماء الله الحسنی مانند «الحاکم»، «العادل»، «الظاهر» و «الغالب» مؤید است. «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ و طریقه خدا هرگز مبدل نخواهد شد و طریقه حق هرگز تغییر نمی پذیرد» (فاطر، ۴۳) (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۱۵).

این سخن مبنای قرآنی دارد؛ زیرا قرآن بر قانون‌مندی حرکت تاریخ تأکید کرده است. از دیدگاه قرآن کریم رویدادهای تاریخی، کورکورانه و محصول تصادف نیست، بلکه در این سیر همه رخدادها و پدیده‌های اجتماعی قانون‌مند بوده و بی مقدمه نیست. مراد از «قانون‌مندی» نظام‌مند بودن وقایع و رخدادهای اجتماعی بر اساس روابط

قطعی و استثناناپذیری است که میان پدیده‌های اجتماعی و عوامل آن وجود دارد. وجود این رابطه علی و معلولی، وقوع این دگرگونی‌ها و حوادث اجتناب‌ناپذیر را ضابطه‌مند می‌کند؛ گرچه این قطعیت و تخلف‌ناپذیری نسبت به عوامل غیرطبیعی و مافوق لحاظ نشده است. همان‌گونه که کشف این قواعد علمی و قانون‌مندی‌ها از راه مطالعه سنت‌های الهی برای ما میسر است، تحلیل و تفسیر جریان تاریخ نیز تنها با شیوه‌ای علمی و پیروی از این قوانین و سنت‌های الهی امکان‌پذیر است.

مجموعه آیاتی که به صورت‌های مختلف بر قانون‌مندی تاریخ و دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی دلالت دارد فراوان است؛ مانند آیاتی که از عوامل رشد و ترقی و رازورمز پیدایش تمدن‌ها و پیشرفت‌ها و شکوفایی‌های جوامع سخن می‌گویند و یا از عوامل سقوط و عقب‌ماندگی و فروپاشی نظام‌ها و حکومت‌ها و دگرگونی جوامع پرده برمی‌دارد؛ به‌عنوان مثال در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ» (رعد، ۱۱) و نیز آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نُّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ» (انفال، ۵۳-۵۴)، سنت الهی درباره تأثیر مستقیم چگونگی حالات روحی و درون‌مایه‌های انسان بر دگرگونی محیط زندگی وی بیان شده است؛ بدین معنا که ظواهر و شئون و احوال یک جامعه وقتی متحول خواهد شد که وضع نفسانی انسان‌ها تغییر کند. در آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» (نجم، ۳۹) رابطه مستقیم اراده و تلاش انسان با نتیجه مطلوب وی را بیان کرده و ایجاد هرگونه تحول و بهره‌مندی انسان را در گرو سعی و کوشش او دانسته است. همچنین آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف، ۹۶) بیانگر رابطه قطعی میان عنصر ایمان و تقوای پیشگی مردم با تغییر در اوضاع آنان است.

از دیدگاه قرآن تاریخ دارای سیر تکاملی است که جوامع بشری را به سوی اهداف و ایده‌های بلندی سوق می‌دهد و مرحله کامل آن در ایده مهدویت تجلی یافته است. آیات متعددی به فرجام نیک تاریخ دلالت دارد. برخی آیات از تشکیل حکومت جهانی اسلام، غلبه دین اسلام بر تمامی ادیان و زمامداری صالحان در آینده خبر داده و این روند را سنت حتمی الهی در فردای تاریخ ذکر کرده است؛ مانند: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ

رَسُولُهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ او است خدائی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد» (توبه، ۳۳)؛ «وَا يَرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يَّحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِيْنَ؛ و خدا می‌خواست که صدق سخنان حق را ثابت گردانده و ریشه کافران را از بیخ و بن برکند» (انفال، ۷)؛ «وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَ اِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ؛ همانا عهد ما دربارهٔ بندگانی که به رسالت فرستادیم سبقت گرفته است که البته آنها بر کافران فتح و پیروزی یابند و سپاهیان ما غالب‌اند» (غافر، ۵۱).

این آیات بر حتمی بودن غلبه انبیا و اهل حق بر جریان باطل دلالت دارند و این نصرت و غلبه بر اساس ظاهر آیات مقید به مرتبه‌ای نیست، بلکه نصرت و غلبه مطلق است. معنای غلبه حق بر باطل به طور اطلاق هم غیر از این نیست که به تمام معنی حق بر باطل پیروز شود و اگر از جهت حجت و برهان غالب باشد، ولی در ظاهر غالب نباشد، غلبه مطلق نیست و ظاهر این آیات غلبه مطلق است (صافی، ۱۳۹۵، ص ۳۳). این گونه آیات بیانگر سنت قطعی الهی بر پیروزی دین حق و تحول بی‌سابقه در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

۲. اصالت باورداشت مهدویت در اسلام

یکی از باورهای اصیل اسلامی که عموم پیروان دین مقدس اسلام بدان اعتقاد داشته و در میان شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، عقیده به ظهور مهدی موعود علیه السلام در آخر الزمان است. این عقیده بر مبانی عقلانی و مستندات قرآنی و روایی استوار است.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه در این زمینه می‌گوید «عقاید شیعه همه از عقل و قرآن مجید و احادیث اهل بیت عترت علیهم السلام گرفته شده» (صافی، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۱۲۳) و معتقد است که برنامه تشکیل امت نوین جهانی که باید منتهی به گسترش عدالت و حاکمیت توحید شود، از متن تعالیم اسلام استفاده می‌شود؛ زیرا قرآن کریم در چند سوره آن را اعلام کرده است و صدها روایت نبوی از جهانی شدن اسلام و حکومت

عدل و استقرار امنیت کامل در زمین پس از ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه که از دودمان رسالت و فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و هم نام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد خبر داده است (صافی، ۱۳۸۷، ص ۸۷). بر این اساس آیت الله صافی رحمته الله در تبیین اصالت باورداشت مهدویت به دلایل عقلی، نصوص قرآنی، حدیثی و اجماع امت اسلامی استدلال کرده است.

۱-۲. اصالت باورداشت مهدویت از جهت مبتنی بودن به عقل و منطقی

یکی از وجوه اصالت باورداشت مهدویت، معقول بودن و اثبات پذیری آن است. بدون شک آنچه در بررسی و شناخت یک فکر، اصل و آغاز کار است، منطقی بودن، خردپذیری و توجیه عقلانی آن است؛ بدین معنا که عقل امکان آن را بپذیرد و نتواند آن را به طور جزم انکار کند و قبول آن را غیر عقلایی بداند. در تمام مسائل علمی و غیر علمی این قانون جریان دارد که اول باید امکان آن پذیرفته شود و احتمال واقعیت داشتن یا واقعیت یافتن آن در نظر عقل مردود نباشد (صافی، ۱۳۹۳، ص ۱۷). این روش به طور کامل منطقی و خردپذیر است و تخلف از آن خلاف عقل و مخالفت با شیوه عقلاست.

از دیدگاه آیت الله صافی رحمته الله اصالت عقیده به مهدویت از این جهت محتاج هیچ بیانی نیست؛ زیرا هر عاقلی امکان آن را تصدیق می کند و هیچ خردمندی آن را رد نمی کند و اظهار شک و تردید را در آن جایز نمی داند و لذا از قرن دوم به بعد که بعضی مجادلات و بحث ها در بین مسلمانان رواج گرفت و پیرامون بسیاری از مسائل اسلامی سخن گفته و رد و قبول داشتند، این موضوع هرگز مورد شبهه و ایرادی قرار نگرفت؛ چون به هیچ وجه شبهه یا آنچه شبهه شبهه باشد، در آن راه ندارد؛ پس اصالت مهدویت از این جهت صددرصد معتبر و عقلایی و منطقی است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۳۷).

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله با استناد به قاعده لطف نه تنها امکان، بلکه ضرورت مسئله مهدویت را یک امر عقلی و اقتضای حکمت الهی می داند و معتقد است که وجود امام مطلقاً لطف است، خواه در ظاهر باشد یا غایب شود و این یک اصلی

است که بر حسب فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که می فرمایند: «ثَلَا تَبْطَلُ حُجَّجَ اللَّهِ و بیناته» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۸۸)، حجت‌ها و نشانه‌های خدا با وجود امام، چه ظاهر باشد یا پنهان، حفظ می‌شود، ثابت شده است؛ بنابراین نصب امام و تعیین او از جانب خدا لطف است و لطف هم بر خدا واجب است (صافی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵).

ایشان پس از تبیین وجوه عقلی و امکان‌پذیر بودن مسئله مهدویت، به بررسی واقعیت داشتن وجود حضرت مهدی علیه السلام، غیبت آن حضرت، واقعیت یافتن ظهور آن حضرت، تشکیل حکومت جهانی اسلام، سعادت عمومی و برقرار شدن نظام عدل پرداخته و معتقد است که بررسی کتاب‌ها و اصولی که از قرن اول هجرت تا حال در رشته‌های مختلف علوم اسلامی تألیف شده، مبتنی بودن این عقیده را بر مبانی صحیح و معقول و مصادر اصیل اسلامی روشن می‌سازد و مصونیت این عقیده را از هرگونه تشکیک تضمین می‌کند؛ به گونه‌ای که کسی نمی‌تواند اصل عقیده مهدویت را رد کند؛ چرا که انکار اصل مهدویت مستلزم انکار مبانی و مآخذ محکم اصول و فروع اسلامی آن خواهد بود (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۳۷)؛ بنابراین اندیشه مهدویت هم به لحاظ ثبوت یک امر معقول و منطقی است و هم به لحاظ اثبات دارای دلایل متقن و پذیرفته شده است.

۲-۲. اصالت باورداشت مهدویت از جهت اتکا به آیات و احادیث

یکی دیگر از وجوه اصالت عقیده به مهدویت در تفکر اسلامی مبتنی بودن آن به نصوص قرآنی و احادیث متواتری است که در این زمینه وارد شده است. از این نظر اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برنامه تشکیل جامعه توحیدی که منتهی به گسترش عدالت و حاکمیت دین حق شود مطلبی است که در آیات متعددی مطرح شده و در نصوص حدیثی به طور متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام این واقعه بزرگ، یعنی ظهور مهدی موعود علیه السلام در آخرالزمان و جهانی شدن اسلام و استقرار عدل و امنیت کامل در زمین گزارش شده است.

بر این اساس آیت‌الله صافی رحمته الله علیه برای اثبات اصالت عقیده به مهدویت، علاوه بر دلائل عقلی، به دلائل نقلی و مستندات قرآنی و حدیثی در این زمینه استدلال کرده و می‌گوید

بر اساس آیه قرآن کریم امامت منصبی است که به حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام پس از آن آزمایش بزرگ - ابتلای به کلمات - اعطا شده است (بقره، ۱۲۴) و بر اساس روایات متواتر که شیعه و سنی آنها را نقل کرده‌اند، این منصب در اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده شده است و آنان به این موهبت بزرگ الهی اختصاص یافته‌اند. بر این اساس مقرر شده است که در هر عصری فردی از این خاندان که برخوردار از صلاحیت‌های لازم از جمله علم و عصمت است، عهده‌دار منصب امامت و رهبری باشد. چنین شخصی حجت خدا و عدل قرآن و راهنمای مردم و نگهبان دین و شریعت است (صافی، ۱۳۸۷، ص ۸۶). در اینجا به برخی شواهد قرآنی و مستندات روایی باوردداشت مهدویت اشاره می‌شود:

۲-۲-۱. شواهد قرآنی

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که در آن غلبه جریان حق بر باطل و فراگیر شدن دین اسلام در جهان نوید داده شده است.^۱ این بشارت‌های کلی قرآن درباره حاکمیت جهانی دین اسلام و غلبه صالحان در فردای تاریخ تنها بر مسئله مهدویت قابل تطبیق است. برخی از بشارت‌های قرآنی که آیت‌الله صافی رحمته الله علیه بدان استناد کرده است عبارت‌اند از:

۱. آیه ۵ سوره قصص: از جمله آیاتی که بر اساس تفاسیر و احادیث ظهور حضرت مهدی علیه السلام و زمامداری جهانی آن حضرت را بشارت داده این آیه است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و اراده کرده‌ایم بر کسانی که در زمین ضعیف و ذلیل نگه داشته شده‌اند منت گذارده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم».

در این آیه کلمه «نرید» بیانگر سنت حتمی الهی است بر امتنان بر بندگان مستضعف و چون این کلمه با فعل مضارع به کار رفته است، استمرار این منت و سنت الهی را

۱. این گونه آیات که به ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است، متجاوز از یکصد آیه است و صاحب کتاب المحجة فيما نزل في القائم الحجة همه آنها را گردآوری کرده است.

دلالت دارد؛ زیرا صیغه مضارع «نرید» بیانگر سنت الهی به عنوان یک قانون مستمر در طول تاریخ است که در هر عصری این سنت الهی در مقیاس‌های متفاوتی تحقق می‌یابد که در نهایت به چیرگی مطلق صالحان خواهد انجامید؛ همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَتُعْطَيْنَ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ دنیا بعد از خودداری و تمکین نداشتنش از ما، منقاد و مطیع و راه ما خواهد شد؛ مانند ناقة سرکش که نسبت به بچه خود پذیرایی و عطوفت دارد» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۶)؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود که به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد. حضرت علی علیه السلام با این کلمات امیدوارکننده و انتظاربخش دل‌های مردم را محکم کرده و به این حقیقت بزرگ و وعده تخلف‌ناپذیر الهی مژده داده و آنان را به فتح و ظفری که حزب خدا و حامیان حق در پیش دارند نوید داده و به استقامت و پایداری تشویق کرده است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۷). این بازگشت آگاهانه بشر به آستان اهل بیت علیهم السلام نتیجه تجربه‌های تلخ و عبرت‌آموزی است که از حاکمان ظلم و جور و نظام‌های غیر الهی چشیده‌اند.

۲. از دیگر آیاتی که به روشنی بر خلافت و حاکمیت فراگیر مؤمنان صالح دلالت دارد و در احادیث به دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده، آیه ۵۵ سوره نور است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و ترسشان را به آرامش و امنیت مبدل می‌کند؛ آنچنانکه تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت».

دلالت این آیه بر غلبه دین اسلام بر تمام ادیان، تنها در عصر ظهور مهدی موعود علیه السلام مصداق می‌یابد و جز جامعه آرمانی مهدوی دوران ظهور بر هیچ مصداق دیگری انطباق ندارد. تعبیرها و فrazهای آیه درباره وعده تمکین و استقرار دین و

برقراری کامل امنیت و آرامش و عبادت خالص و بی‌شائبه، دلالت دارد بر اینکه قوم موعود در این آیه حضرت ولی عصر علیه السلام و یاوران ایشان‌اند؛ چراکه این وعده الهی تنها در عصر حکومت موعود حضرت مهدی علیه السلام به صورت کامل تحقق خواهد یافت؛ چنانکه در روایات تفسیری نیز شأن نزول این آیه، دوران حاکمیت اهل بیت علیهم السلام در عصر ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام ذکر شده (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۰۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵۰) و شأن نزول این آیه، حکومت جهانی مهدی علیه السلام در آخرالزمان بیان شده است؛ لذا وقتی ابو بصیر از امام صادق علیه السلام درباره معنای این آیه سؤال می‌کند حضرت می‌فرماید: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ؛ این آیه درباره قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است» (نعمانی ۱۴۲۲ق، ص ۲۴۰).

۳. آیه ۱۰۵ سورة انبياء: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و همانا در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند». این آیه شریفه حامل پیام مهمی است که در آن از پایان خوش تاریخ سخن به میان آمده و طبقه صالحان را وارثان همه زمین و حاکمان مطلق جهان در پایان تاریخ معرفی کرده است. نوید وراثت زمین در این آیه ناظر به امت‌های گذشته نبوده، بلکه این بشارت مختص امت اسلامی و مربوط به آینده تاریخ است که روزی تحقق خواهند یافت. وراثت و آبادانی زمین و ایجاد زندگی برخوردار از مواهب مادی و معنوی حیات، روح امید و سرزندگی را در جامعه احیا می‌کند؛ زیرا این عقیده از نظر اجتماعی بسیار مهم و انقلابی و مترقی است و مردم را به کار و تلاش و نهضت و قیام و فعالیت تشویق می‌کند و از سستی و ترک وظایف و تسلیم زبونی و ذلیل شدن باز می‌دارد (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۶).

۴. آیه ۳۳ سورة توبه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ آن خدا کسی است که خود را با هدایت و راهنمایی و دین حق (دین اسلام) فرستاد تا آن دین را بر همه دین‌ها غالب گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

این آیه شریفه دقیقاً در سورة مبارک صف آیه ۹ آمده است و با اندک تفاوتی در

سوره فتح آیه ۲۸ آمده است. تأکید و تکرار این موضوع در چند آیه بیانگر اهمیت فوق‌العاده و نقش ویژه این موضوع در تحقق اهداف کلی دین است. مراد از «دین حق» در این آیه، دین اسلام است (طوسی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۲۰۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۴۷؛ مغنیه، ۱۹۸۱م، ج ۴، ص ۳۳). در این آیه خداوند از غلبه کامل دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در آینده خبر داده است تا به رغم تلاش‌های مخالفان، این دین را در پهنه گیتی فراگیر و محقق سازد. در حقیقت این پیام، موضوع اصلی بحث ما پیرامون این آیه را تشکیل می‌دهد.

دلالت جمله «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» بر غلبه اسلام واضح است و تأیید کننده آن روایاتی است که در این خصوص از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده است؛ مانند «كَيْدُ الْكُلِّ هَذَا الدِّينُ عَلَى مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ؛ این دین در هر کجا که شب داخل شده باشد داخل می‌شود» (صافی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۴). نکته تشبیه دین به آفتاب آن است که همان‌طور که روز آفتاب در هر کجا که شب رفته باشد وارد می‌شود، خورشید عالم تاب اسلام نیز به تمام اماکن پرتوافکن خواهد شد و تاریکی کفر و شرک و ضلالت را نابود خواهد ساخت؛ همان‌طور که آفتاب تاریکی شب را از میان می‌برد (صافی، ۱۳۹۵، ص ۳۴). بر این اساس شیعه و تمام مسلمانان به این عقیده سازنده و تحول‌آور ایمان دارند که تاریخ در مسیر عدالت و به سوی عدالت جلو می‌رود و توقف نمی‌کند و زمین را بندگان صالح و شایسته خدا به ارث می‌برند (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۶). این عقیده از نظر اجتماعی تأثیر فوق‌العاده در احیای روح امید در جامعه دارد و مردم را از سستی و ترک وظایف و تسلیم زبونی و ذلت باز داشته و به تلاش و مقاومت و قیام در برابر ظالمان وامی‌دارد.

در این زمینه آیات دیگری نیز وجود دارد که به موضوع مهدویت تفسیر شده است. مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب المحجة فيما نزل في القائم الحجة بیش از یکصد آیه را که مربوط به حضرت مهدی عجل الله فرجه است با احادیثی که در تفسیر هریک وارد شده جمع‌آوری کرده است (صافی، ۱۳۹۳، ص ۶۰)؛ بنابراین با توجه به این آیات و دقت در مضامین آنها و کتاب‌های تفسیر و احادیثی که در تفسیر این آیات وارد شده، اصالت قرآنی عقیده به مهدویت، ثابت و غیر قابل انکار است.

۲-۲-۲. مستندات روایی

یکی از وجوه اصالت عقیده به مهدویت، روایت‌ها و احادیث پرشماری است که در منابع روایی شیعه و اهل سنت نقل شده و بسیاری از علمای فریقین درباره آن کتاب‌های مستقلی تألیف کرده‌اند که بیش از دوازده قرن از تألیف آنها می‌گذرد.

در تحقیق جامعی که مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله در کتاب منتخب الاثر انجام داده است، بیش از ۶۲۰۰ حدیث از ۱۵۴ منبع معتبر شیعه و اهل سنت درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام گردآوری شده است. برخی از این احادیث درباره خصوصیات شخص امام مهدی علیه السلام، برخی دیگر درباره علائم و حوادث قبل از ظهور و بسیاری از این روایات درباره شیوه حکومت‌داری، عدالت‌گستری و تحقق جامعه آرمانی مهدوی دوران ظهور وارد شده است.

بدون شک اختصاص این حجم انبوه از احادیث درباره این موضوع، بیانگر اهمیت مسئله مهدویت در اندیشه اسلامی و جایگاه خاص آن در منظومه اعتقادی مسلمانان است. شاید در کمتر مسئله‌ای از مسائل اسلامی فراوانی روایات به این حد باشد که در موضوع ظهور حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است. وجود این حجم بسیار از روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام در منابع شیعه و اهل سنت سبب شده است که مسئله مهدویت به‌عنوان یک اعتقاد مشترک مورد پذیرش میان عموم مسلمانان قرار گیرد.

احادیث متواتر عامه و خاصه دلالت دارند بر اینکه دین اسلام عالم‌گیر خواهد شد و خانه‌ای نماند مگر اینکه جزء منطقه نفوذ تعالیم اسلام واقع شود و شهر و دهی نماند مگر اینکه صبح و شام در آن صدای اذان و شهادت به توحید و رسالت بلند شود (صافی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۳). بسیاری از نصوص رسیده از شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مسئله ظهور مهدی موعود علیه السلام توسط صحابه آن حضرت و تابعین صحابه و سپس طبقات دیگر نقل شده‌اند (صافی، ۱۳۸۷، ص ۸۸). در میان راویان این احادیث، امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و بزرگانی از صحابه از جمله: جابر بن سمره، عبد الله بن مسعود، ابو جحیفه، ابو سعید خدری، سلمان فارسی، انس بن مالک، ابو هریره، ائمه بن اسقع، عمر بن

الخطاب، ابو قتاده، ابو الطفيل، شفی اصبحی، عبد الله بن عمر، عبد الله بن ابی اوفی، عمار بن یاسر، ابو ذر، حذیفه بن الیمان، جابر بن عبد الله انصاری، عبد الله بن عباس، حذیفه بن اسید، زید بن ارقم، سعد بن مالک، اسعد بن زراره، عمران بن حصین، زید بن ثابت، عایشه، ام سلمه، ابو ایوب انصاری، فاطمه زهرا علیها السلام، ابو امامه و عثمان بن عفان وجود دارد (صافی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۴۸).

محدثین بزرگ اهل سنت احادیث مربوط به ظهور مهدی علیه السلام را از جماعتی از صحابه و جمع زیادی از تابعین نقل کرده‌اند و گروهی از آنان تواتر این روایات را به صراحت تصدیق کرده‌اند. این احادیث در مآخذ معتبر و مصادر مورد اعتماد اهل سنت و کتاب‌های حدیثی معتبر آنان مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن ابی داود، مسند احمد، مسند ابی داود طیالسی، تاریخ بغداد، تاریخ ابن عساکر، مستدرک حاکم، تیسیر الوصول، منتخب کنز العمال، کنز العمال، الجامع الصغیر، تاریخ الخلفاء، مصابیح السنة، الصواعق المحرقة، الجمع بین الصحیحین، معجم طبرانی و التاج الجامع للاصول نقل شده است (صافی، ۱۳۹۵، ص ۵۳). از این نظر بنیان عقیده به مهدویت بر معتبرترین مآخذ و مدارک مورد قبول فرقه‌های مسلمانان استوار است. تنها در کتاب مسند احمد حنبل که از معتبرترین جوامع حدیثی اهل سنت است، ۳۵ حدیث با سندهایی عالی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که همه دلالت دارند بر اینکه جانشینان و رهبران امت بعد از آن حضرت دوازده نفرند.

بنابراین اصالت مهدویت از جهت مبتنی بودن آن بر احادیث معتبر و متواتر در نهایت وضوح است؛ زیرا کتاب‌های معتبر حدیثی مانند صحاح و جوامع و سنت‌ها و مسانید اهل سنت و اصول شیعه به ضبط این احادیث پرداخته است. از عصر رسالت تا زمان ما، صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سپس تابعین و سایر طبقات این احادیث را روایت کرده‌اند. این اصل همان گونه که از دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا زمان ما برقرار بوده است، از زمان ما تا پایان جهان نیز ادامه خواهد داشت (صافی، ۱۳۸۷، ص ۸۸). پس روشن می‌شود که مبدأ این اندیشه عصر رسالت بوده است و احادیث مربوط به آن که توسط بزرگ‌ترین خبرگان و

محققان علوم اسلامی نگاشته شده‌اند، با صراحت دلالت دارند که شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسئله ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام را بشارت داده‌اند و این بشارت را صحابه آن حضرت و تابعین صحابه و بعد از آنها طبقات دیگر از مردم نقل کرده‌اند.

۲-۳. اصالت باورداشت مهدویت از جهت اتکا به اجماع مسلمین

یکی از مسائل و اموری که فرقه‌های اسلامی بر آن اجتماع و اتفاق کرده‌اند، ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از خاندان اهل بیت در آخرالزمان است.

آیت‌الله صافی رَحِمَهُ اللهُ با تأکید بر اینکه ایمان به ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و جهان‌گیر شدن دین اسلام مستند به آیات متعددی از قرآن مجید و روایات متواتر است می‌گوید: «هر مسلمان معتقد به قرآن و رسالت پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید به این ظهور ایمان راسخ و ثابت داشته باشد. در حقیقت ایمان به ظهور آن مصلح عالم و نجات‌دهنده بشر جزء جدانشدنی ایمان به صدق پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تصدیق به نبوت آن حضرت است» (صافی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۴). ایشان تأکید بر اینکه علمای اهل سنت نیز با چنین رویکردی به موضوع مهدویت پرداخته‌اند معتقد است: «اهل سنت و شیعه در طی اعصار و مرور قرن‌ها، همه بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان یک نفر از اولاد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و فرزندان علی عَلَيْهِ السَّلَام و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام که صفات و علاماتش در احادیث مذکور است، در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد ظهور نماید و جهان را پر از عدل و داد کند» (صافی، ۱۳۸۷، ص ۶۵).

بسیاری از علمای شاخص اهل سنت در کتاب‌های خود بر این مسئله تصریح کرده‌اند. شهید صدر درباره دیدگاه اهل سنت در این زمینه می‌نویسد: «إِنَّ فِكْرَةَ الْمَهْدِيِّ بِوَصْفِهِ الْقَائِدِ الْمُنْتَظَرِ لِتَغْيِيرِ الْعَالَمِ إِلَى الْأَفْضَلِ قَدْ جَاءَتْ فِي أَحَادِيثِ الرَّسُولِ الْأَعْظَمِ عَمُومًا وَ فِي رَوَايَاتِ أُمَّةِ أَهْلِ الْبَيْتِ خُصُوصًا وَ أَكْدَتْ فِي نِصُوصٍ كَثِيرَةٍ بِدَرَجَةِ لَا يُمْكِنُ أَنْ يَرْقَى إِلَيْهَا الشُّكُّ؛ اندیشه مهدویت و نظریه «مهدی» به‌عنوان اینکه رهبر منتظری است که عالم را به شکل بهتری تبدیل خواهد کرد، به‌طور عموم در احادیث نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است و به‌طور ویژه در روایات امامان معصوم از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام وارد

شده است و در روایات و نصوص فراوانی به نحوی بر آن تأکید شده است که هیچ جای شک و تردید نخواهد بود» (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۳).

شمس‌الدین سفارینی حنبلی دیدگاه رسمی اهل سنت درباره عقیده به مهدویت را چنین بازگو می‌کند: «فالإيمان بخروج المهدي واجب كما هو مقرر عند أهل العلم ومدون في عقائد أهل السنة والجماعة وكذا عند أهل الشيعة أيضاً؛ إيمان به خروج مهدي واجب است، همان‌گونه که این مطلب نزد اهل علم روشن بوده و جزء عقاید قطعی اهل سنت و جماعت شمرده می‌شود همچنانکه نزد شیعه ثابت است» (سفارینی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۸۴). همچنین چهار نفر از بزرگان علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت، یعنی ابن حجر شافعی، ابوالسرور احمد بن ضیاء حنفی، محمد بن احمد مالکی و یحیی بن محمد حنبلی در جواب استفتایی که از ایشان شده، همین روش را انتخاب کرده و به صحت اصل ظهور مهدی عليه السلام در آخرالزمان و اینکه عالم را پر از عدل و داد کند و عیسی عليه السلام به آن حضرت اقتدا کند و اوصاف دیگر آن حضرت، به طور رسمی فتوای محکم و مستدل و قاطع داده‌اند (صافی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۳۴).

این‌گونه اعترافات صریح در کلمات دانشمندان متبوع و محقق اهل سنت فراوان یافت می‌شود. ابن ابی‌الحدید در این زمینه می‌گوید: «قد وقع اتفاق الفریقین من المسلمین أجمعین علی ان الدنيا و التکلیف لا ینقضی الا علیه؛ اتفاق سنی و شیعه بر این است که دنیا و تکلیف به پایان نرسد مگر بر ظهور آن حضرت» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۵۳۵)؛ سویی در سبائک الذهب می‌گوید: «الذی اتفق علیه العلماء ان المهدي هو القائم فی آخر الوقت و انه یملاً الأرض عدلاً و الأحادیث فیهِ و فی ظهوره کثیرة؛ آنچه علما بر آن اتفاق دارند این است که مهدی آن کسی است که در آخرالزمان قیام و زمین را از عدل و داد پر می‌کند و احادیث راجع به مهدی و ظهور او بسیار است» (سویی، ۱۴۰۶ق، ص ۷۸)؛ ابن خلدون معتزلی می‌گوید: «اعلم أن المشهور بین الکافة من أهل الإسلام علی ممر الأعصار أنه لا بد فی آخرالزمان من ظهور رجل من أهل البيت یؤید الدین، و ینظر العدل، و یتبعه المسلمون، و ینتولی علی الممالک الإسلامیة و ینتوی بالمهدی؛ مشهور بین تمام مسلمانان در همه اعصار است که در آخرالزمان مردی از

اهل بیت علیهم‌السلام ظهور کند که دین را تأیید، عدل را آشکار و بر کشورهای اسلامی مسلط شود و مهدی نامیده شود» (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ص ۳۶۷).

بنابراین مسئله ظهور مهدی علیه‌السلام نزد مسلمانان امر قطعی و مسلم است و از همان قرن اول تا حال کسی اصل ظهور قائم علیه‌السلام را انکار نکرده است؛ زیرا موجب انکار اخبار قطعی صادرشده از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌شود و انکار احادیث متواتر به نفی نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خروج از دایره ایمان می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت روشن شد که مرحوم آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه اصالت اندیشه مهدویت را از ابعاد مختلفی مورد توجه قرار داده است و در این مقاله این بحث از دو منظر عام و خاص مورد تأمل قرار گرفته است. در نگاه عام اصل عقیده به ظهور منجی یک باور فراگیری است که همه پیروان ادیان الهی بدان ایمان دارند و در تمامی آموزه‌های ادیان - به ویژه ادیان ابراهیمی - به این موضوع بشارت داده شده است. به لحاظ غایت‌شناسی دین نیز اهداف و غایات دین در مهدویت تجلی یافته است و به لحاظ فلسفه تاریخ و رویکرد به آینده، چشم‌انداز آینده و آرمان‌های بلند جامعه دین‌مدار و کمال‌طلب در جامعه آرمانی مهدوی عینیت می‌یابد.

آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه اصالت باورداشت مهدویت را مبتنی بر دلایل عقلی و نقلی دانسته است. ایشان معقول بودن و اثبات‌پذیری عقیده به مهدویت را یکی از وجوه اصالت باورداشت مهدویت و قطعی بودن آن شمرده است. همچنین آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه در تبیین مبانی و مستندات قرآنی و روایی باورداشت مهدویت به نصوص متعددی از آیات و احادیث متواتر در این زمینه پرداخته است که از تحقق این واقعه بزرگ، یعنی ظهور مهدی موعود علیه‌السلام در آخرالزمان و جهانی شدن اسلام و استقرار عدل و امنیت کامل در زمین خبر داده است.

ایشان یکی دیگر از وجوه اصالت مهدویت در بحث درون‌دینی را اتکای این عقیده به اجماع و اتفاق نظر همه فرقه‌های اسلامی دانسته و معتقد است که اهل سنت و شیعه

طی اعصار و مرور قرن‌ها، همه بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان یک نفر از اولاد رسول خدا ﷺ و فرزندان علی علیهما السلام و فاطمه علیها السلام که صفات و علاماتش در احادیث بیان شده است، هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد ظهور و جهان را پر از عدل و داد کند؛ بنابراین ظهور منجی موعود الهی در آینده یک امر مسلم و انکارناپذیر است. در آموزه‌های اسلامی از او به مهدی موعود ﷺ یاد شده است که با ظهور خود جامعه توحیدی سرشار از عدالت و امنیت را تشکیل خواهد داد و در پرتو حاکمیت دین الهی در سراسر جهان، همه بشریت از مواهب مادی و معنوی حکومت عدل جهانی آن حضرت بهره‌مند خواهند شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامہ

* قرآن کریم

** نہج البلاغہ

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین. (۱۳۷۸ق). شرح نہج البلاغہ (محقق: محمد ابو الفضل ابراہیم، ج ۲). بیروت: دار احیاء الکتب العربیہ.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۴۰۸ق). تاریخ ابن خلدون (محقق: خلیل شحادة، چاپ دوم). بیروت: دار الفکر.
۳. سفارینی، شمس الدین. (۱۴۰۲ق). لوامع الأنوار البہیة وسواطع الأسرار الأثریة لشرح الدرۃ المضية فی عقد الفرقة المرضیة (ج ۲، چاپ دوم). دمشق: مؤسسة الخافقین ومکتبہا.
۴. سویدی، محمد امین. (۱۴۰۶ق). سیائک الذهب فی معرفة قبائل العرب. بیروت: دار الکتب العلمیہ.
۵. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۸۰). منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیہ السلام (ج ۲، چاپ اول، ۳جلدی). قم: مکتبہ آیۃ اللہ العظمی الصافی گلپایگانی علیہ السلام.
۶. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۸۷). گفتمان مہدویت. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمی صافی گلپایگانی علیہ السلام.
۷. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۹۳). اصالت مہدویت (چاپ اول). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمی صافی گلپایگانی علیہ السلام.
۸. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۹۵). نوید امن و امان؛ پیرامون شخصیت، زندگانی، غیبت و ظهور حضرت ولی عصر علیہ السلام. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمی صافی گلپایگانی علیہ السلام.
۹. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۹۷). سلسلہ مباحث امامت و مہدویت (۴جلدی). قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمی صافی گلپایگانی علیہ السلام.

۱۰. صدر، محمدباقر. (۱۴۱۷ق). بحث حول المهدي (محقق: عبد الجبار شرارة، چاپ اول). قم: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.
۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۹). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۲ق). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی (ج ۲). قم: دارالکتاب.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (محقق: علی اکبر غفاری، ج ۱). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (محقق: محمدباقر بهبودی، ج ۱، ۳۶، ۵۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. محدث نوری، میرزا حسین. (۱۳۷۵). نجم الثاقب. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۷. مغنیه، محمدجواد. (۱۹۸۱م). التفسیر الکاشف. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الغیبة (محقق: فارس حسون). قم: انتشارات انوار الهدی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

* The Holy Quran

* Nahj al-Balagha

1. Ibn Abi al-Hadid, E. (1378 AH). *Commentary on Nahj al-Balagha* (M. Abulfazl Ibrahim, Ed.; Vol. 2). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi al-Kotob al-Arabiya. [In Arabic]
2. Ibn Khaldun, A. (1408 AH). *History of Ibn Khaldun* (K. Shahadah, Ed.; 2nd ed). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
3. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 1; A. A. Ghafari, Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
4. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vols. 1, 36, 51; M. B. Behboodi, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
5. Mughniyeh, M. J. (1981). *Al-Tafsir al-Kashif*. Beirut: Dar al-Ilm le al-Malaeen.
6. Muhaddith Nouri, M. (1375 AP). *Najm al-Thaqib*. Qom: Jamkaran Holy Mosque Publications. [In Persian]
7. Nomani, M. (1422 AH). *Al-Ghaibah Nomani* (F. Hassoun, Ed.). Qom: Anwar Al-Huda Publications. [In Arabic]
8. Qomi, A. (1407 AH). *Tafsir al-Qomi* (Vol. 2). Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
9. Sadr, M. B. (1417 AH). *Bahth Hawl Al-Mahdi*. (A. Sharara, Ed.; 1st ed). Qom: Al-Ghadir Center for Islamic Studies. [In Arabic]
10. Safarini, S. (1402 AH). *Lawami al-Anwar Al-Bahiya va Sawat'i al-Asrar al-Athariya le Sharh al-Dura Al-Mudziyyah fi Aqd al-Firqa al-Marziya* (Vol. 2; 2nd ed). Damascus, Mu'asisah Al-Khafaqin va Maktabuha. [In Arabic]
11. Safi Golpayegani, L. (1380 AP). *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani Ashar*. (Vol. 2; 1st ed; 3 Vols.). Qom: (Iran), Maktabah Ayatollah Al-Safi Al-Golpayegani. [In Persian]
12. Safi Golpayegani, L. (1387 AH). *Discourse of Mahdaviat*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Arabic]

13. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *The originality of Mahdiyyism* (1st ed.). Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
14. Safi Golpayegani, L. (1395 AP). *Promise of safety and security; About the character, life, absence and emergence of Hazrat Wali Asr*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
15. Safi Golpayegani, L. (1397 AP). *Imamate and Mahdism* (Vols. 1, 2, 3, 4; 1st ed.; 4 Volumes). Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani, [In Persian]
16. Sawidi, M. A. (1406 AH). *Sabaek al-Zahb fi Ma'arifah Qaba'il al-Arab*. Beirut, Dar al-Kotob al-Ilmiya. [In Arabic]
17. Tabatabaei, M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 9). Qom: Society of Teachers Publications. [In Arabic]
18. Tusi, M (1402 AH). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 5). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]